



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری

سال چهارم، شماره‌ی ۱۴، پاییز ۱۳۹۴

صفحات ۱۹۲-۱۷۵

## یادگیری تجربی و تغییر رفتار از طریق فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی: مطالعه‌ی کیفی گردشگران ایرانی<sup>۱</sup>

پویا علاء‌الدینی<sup>۲</sup>

مرضیه فتاحی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۰۸

### چکیده:

طی سال‌های اخیر، جنبه‌های آموزشی تجربه‌ی سفرهای زیست‌بوم‌گردی (اکوتوریسم) و تأثیرگذاری آن بر رفتار و اخلاق گردشگران مورد توجه محققان قرار گرفته است. در عین حال، مطالعات انجام‌شده در باب آثار آموزشی زیست‌بوم‌گردی بیشتر به اخلاق زیست‌محیطی و کمتر به دیگر جنبه‌های آن پرداخته‌اند. در این مقاله، جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی یادگیری تجربی و تغییر رفتار با شرکت در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی در ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد. پژوهش میدانی با بهره‌گیری از روش کیفی اکتشافی مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق انجام شده است. نمونه‌گیری به شکل هدفمند صورت گرفته و در مجموع با ۲۴ گردشگر، شامل ۶ زن و ۱۸ مرد انتخاب‌شده از میان شرکت‌کنندگان در تورهای زیست‌بوم‌گردی سه بنگاه معتبر گردشگری ایران (با آشنایان زیست‌بوم‌گرد آنان)، مصاحبه‌ی عمیق به عمل آمده است. مصاحبه‌ها با رویکرد اکتشافی، سوالات باز و بهره‌گیری از گفته‌های پاسخ‌گویان برای طرح پرسش‌های بیش‌تر درباره‌ی یادگیری تجربی و تغییر رفتار زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی زیست‌بوم‌گردان از دید خود آنان انجام شده‌اند. یافته‌ها حاکی از اشکال مختلف یادگیری تجربی و تغییر رفتار در میان شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی است. ابعاد زیست‌محیطی یادگیری و تغییر رفتار در میان زیست‌بوم‌گردان مصاحبه‌شده شامل لذت از فهم محیط طبیعی، احترام به محیط زیست و قدردانی از آن، تمایل به شناخت محیط زیست،

<sup>۱</sup> مقاله حاضر بر اساس یافته‌های پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد نویسنده مسئول تحت عنوان «بررسی تأثیر آموزش غیرمستقیم در تجربه‌ی سفر اکوتوریسم بر تغییر رفتار اکوتوریست‌ها» تهیه شده است. بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از راهنمایی‌های مشاوران محترم پایان‌نامه آقای دکتر علی اصغر سعیدی و آقای دکتر حمید رحیمیان، صمیمیت و همراهی گردشگران مصاحبه‌شده و نظرات خانم افسانه احسانی و آقای مهندس مجید اسکندری هنگام پالایش نتایج مصاحبه‌ها اعلام می‌داریم.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه تهران

<sup>۳</sup> نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه تهران (fathi.marzieh@alumni.ut.ac.ir)

مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زیست و فعالیت جهت حفاظت از محیط زیست می‌گردد. هم‌چنین، ابعاد اجتماعی و فردی یادگیری تجربی و تغییر رفتار نزد مصاحبه‌شدگان مشتمل بر احترام به هم‌سفران و تعامل مثبت با آنان، مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران، پیروی از نظرات جمع، تمایل به کار تیمی، احترام به جامعه‌ی محلی و حس مسئولیت در قبال آن، مسئولیت‌پذیری و احترام نسبت به خود، تاب‌آوری هیجانی، چالش‌پذیری و توانایی عبور از چالش، و نیز هویت‌یابی و کسب نوعی معنویت است.

**واژه‌های کلیدی:** زیست‌بوم‌گردی (اکوتوریسم)، یادگیری تجربی، تغییر رفتار، اخلاق زیست‌محیطی، پرورش فردی و اجتماعی.

### مقدمه

بسیاری از محققان گردشگری جنبه‌های آموزشی سفر و به‌ویژه زیست‌بوم‌گردی (اکوتوریسم) را مورد تأکید قرار داده‌اند (از جمله، هانی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۳۰؛ دونکل<sup>۲</sup> و اسکات<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴: ۴۲؛ بروگر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳؛ آلیسون<sup>۵</sup> و فن والد<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). آموزش ممکن است در قالب‌های رسمی و با برنامه‌ی مشخص جهت شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی عرضه شود. اما شکل دیگر آن مشتمل بر یادگیری غیرمستقیم (بنگرید به کانفورد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲) طی سفر به واسطه‌ی کسب تجارب متفاوت، کشف و درک محیط، تعامل با دیگران و تکامل نگرش و بینش است. نزد پیشگامان و مروجان زیست‌بوم‌گردی، اهمیت یادگیری بیش‌تر شامل پیامدهای زیست‌محیطی آن در خصوص حفظ منابع و ویژگی‌های محل است (سبالوس-لسکورن<sup>۸</sup>، ۱۹۸۸: ۱۳؛ گیلبرت<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳: ۷۶).

در کشور ایران، ترکیب اقلیمی (تنوع نسبتاً زیاد)، ساختار جمعیتی (جوانی و به تبع آن ماجراجویی) و وضعیت شهرنشینی (گسترش شتابان آن و فقدان دسترسی به طبیعت) تقاضای بالقوه را برای سفرهای طبیعت‌گردی افزایش داده است. هرچند آمار قابل استنادی از طبیعت‌گردی در کشور در دست نیست، ولی اطلاعات جسته-گریخته و مشاهدات پراکنده حاکی از رشد این نوع سفرهاست. اگر زیست‌بوم‌گردی را بیش از سیر در طبیعت و دست کم توأم با حفظ ویژگی‌های محلی، محیط زیست و منابع بدانیم (برای تعریف وسیع‌تر و به‌ویژه شمول یادگیری در آن، بنگرید به هانی، ۲۰۰۸: ۳۳؛ فنل<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷: ۲۴)، احتمالاً اغلب طبیعت‌گردی‌ها در ایران را نمی‌توان در زمره‌ی سفرهای زیست‌بوم‌گردی قرار داد. در عین حال، شکل‌گیری توره‌ای حرفه‌ای ویژه، افزایش فعالیت کنش‌گران حفظ محیط زیست و توجه روزافزون محققان به موضوع نشان‌دهنده‌ی اقبال به

<sup>1</sup> Honey  
<sup>2</sup> Duenkel  
<sup>3</sup> Scott  
<sup>4</sup> Brougère  
<sup>5</sup> Allison  
<sup>6</sup> Von Wald  
<sup>7</sup> Conford  
<sup>8</sup> Ceballos-Lascrain  
<sup>9</sup> Gilbert  
<sup>10</sup> Fennell

زیست‌بوم‌گردی در کشور است. البته، سیر در طبیعت بدون حاشیه‌های اجتماعی-سیاسی و حرفه‌ای-رقابتی در ایران نیست. ظاهراً گسترش طبیعت‌گردی در سال‌های اخیر هم برخی مسئولان را نگران رفتارهای فرهنگی-اجتماعی و روابط جوانان طی سفر کرده و هم موجب بروز برخی واکنش‌ها از سوی دست‌اندرکاران حرفه‌ای زیست‌بوم‌گردی و صاحب مجوز رسمی شده است (بنگرید به خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳؛ خبرآن‌لاین، ۱۳۹۳).

مقاله‌ی حاضر، با غور در جنبه‌های آموزشی/یادگیری تجربه‌ی سفر، آثار مثبت زیست‌بوم‌گردی و لزوم حمایت از آن را برجسته می‌سازد. مسأله‌ی کانونی مقاله تأثیر تجربه‌ی سفر زیست‌بوم‌گردی بر فرآیند یادگیری و تغییر رفتار فرد است که در ایران کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. توضیح آن که، هرچند خوشبختانه طی سه-چهار سال اخیر مقالات زیادی در باب زیست‌بوم‌گردی در ایران انتشار یافته، اما موضوعات آن‌ها یا امکان‌سنجی و مکان‌یابی فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی (مثلاً، خدائیان و همکاران، ۱۳۹۳؛ طاوسی و همکاران، ۱۳۹۳؛ امیراحمدی و مظفری، ۱۳۹۱) و یا تحلیل آثار زیست‌بوم‌گردی بر اقتصاد، فرهنگ، نگرش، ارزش‌ها، آداب و رسوم یا محیط زیست ناحیه‌ی گردشگری (از جمله، موحدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳؛ عینالی و همکاران، ۱۳۹۳؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲) بوده است. از این رو، نقش زیست‌بوم‌گرد نیز تنها در اثرگذاری او بر ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه‌ی میزبان مورد عنایت قرار گرفته و تأثیر تجربه‌ی زیست‌بوم‌گردی بر گردشگر مغفول مانده است. در این مقاله، تأثیر سفرهای زیست‌بوم‌گردی از منظر فرآیند یادگیری و تغییر رفتار شرکت‌کنندگان در این فعالیت‌ها با استفاده از نتایج مصاحبه با جمعی از آنان، یعنی به صورت کیفی و اکتشافی و از دید خود گردشگران، مورد توجه قرار می‌گیرد. به سخن دیگر، هدف اصلی محققان تحلیل تغییرات رفتاری در گردشگران و اشکال یادگیری نزد آنان به واسطه‌ی شرکت در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی است. بخش بعدی مقاله به مرور متون و صورت‌بندی رویکرد تحلیلی پژوهش اختصاص یافته است. پس از آن، روش تحقیق و گام‌های آن توضیح داده شده است. یافته‌ها در چهار بخش فرعی، شامل بحث مقدماتی و نیز ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی یادگیری و تغییر رفتار، عرضه می‌گردد. بخش آخر مقاله مشتمل بر جمع‌بندی یافته‌ها و پیشنهاد است.

### زیست‌بوم‌گردی، یادگیری تجربی و تغییر رفتار

در متون پیش‌گام روان‌شناسی آموزشی، یادگیری ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه‌ی یادگیرنده دانسته شده است، مشروط بر آن که این تغییر بر اثر اخذ تجربه رخ دهد (بنگرید به هیلگارد<sup>۱</sup> و مارکیز<sup>۲</sup>، ۱۹۴۰؛ کیمبل<sup>۳</sup>، ۱۹۶۱). نزد کُلب و فرای<sup>۴</sup> (۱۹۷۵: ۳۵؛ نیز بنگرید به کلب،

<sup>۱</sup> Hilgard

<sup>۲</sup> Marquis

<sup>۳</sup> Kimble

<sup>۴</sup> Kolb and Fry

۱۹۸۴)، یادگیری تجربی<sup>۱</sup> فرآیندی است که طی آن، از طریق «تجربه» و «بازاندیشی» و سپس «تعمیم» و «آزمون» دیدگاه تغییر یافته، دانش تولید می‌شود. مصداق یادگیری تجربی در گردشگری فعالیت‌هایی است که مشارکت گروهی افراد در آن‌ها موجبات ارتقای حساسیت نسبت به محیط زیست و احترام به فرهنگ جامعه میزبان را فراهم می‌آورد (بنگرید به اسمیت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).

ریچاردز<sup>۳</sup> (۱۹۹۲: ۱۵۸-۱۶۰) مفاهیم یادگیری تجربی و گردشگری را طی الگویی به هم پیوند زده است. از نظر او، سفر شرایط مساعدی را برای یادگیری تجربی مهیا می‌سازد. در الگوی ریچاردز، دوری از دیدگاه‌های کهنه و تجربه‌ی دیدگاه‌های جدید «جدایی» نامیده شده است. جدایی طی تعطیلات و سفر مجال نگرستن به زندگی خود از بیرون را فراهم می‌آورد. هم‌چنین، «مواجهه» با محیطی ناآشنا یا کمتر آشنا گردشگر را دچار چالش تعارض میان رفتار معمول و وضع مشاهده‌شده می‌کند. پرداختن به این چالش (که ممکن است متعاقباً از طریق عکس و فیلم یا یادآوری و درگیری عاطفی با تجربه تشدید شود) هنگام «رجعت» و به واسطه‌ی «ادغام مجدد» موجب شکل‌گیری رفتار جدید می‌گردد.

زیست‌بوم‌گردی حائز جنبه‌های اخلاقی، مشتمل بر حفاظت از جامعه‌ی محلی و محیط زیست و منابع، است. از این رو می‌توان مدعی اهمیت خاص الگوی ریچاردز و یادگیری تجربی در این نوع از گردشگری شد. مطالعات موردی موجود در سطح بین‌المللی (بنگرید به مینرت، ۲۰۱۲؛ پاول<sup>۴</sup> و هام<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ کیمل<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹؛ تیسدل<sup>۷</sup> و ویلسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵؛ والتر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹؛ والتر و رایمر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۲) نیز حاکی از تأثیر مثبت زیست‌بوم‌گردی بر ارتقای اخلاق زیست‌محیطی و تعاملات اجتماعی گردشگران از طریق یادگیری تجربی در زمینه‌هایی از این دست است: نحوه‌ی تعامل مناسب با طبیعت و جماعت‌های محلی، تمایل به کسب اطلاعات و دیدن آموزش، احساس تعلق به محیط بازدیدشده، تمایل به حفاظت از ویژگی‌های منطقه‌ی گردشگری و تمایل به پرداخت هزینه برای حفظ محیط زیست. بومانت<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۲: ۳۳۳-۳۳۶) نشان داده است که حتی اگر زیست‌بوم‌گرد پیشاپیش از اخلاق متعالی زیست‌محیطی برخوردار باشد باز هم تحت تأثیر مثبت فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی قرار خواهد گرفت. چه در پژوهش بومانت و چه در سایر مطالعات موردی پیوند زیست‌بوم‌گردی و یادگیری تجربی، تکیه بیش‌تر بر تغییر رفتار در بعد زیست‌محیطی بوده است. اما برای فعالیت‌های گردشگری می‌توان ابعاد یادگیری دیگری نیز متصور شد که در برخی پژوهش‌ها در

<sup>1</sup> Experiential learning

<sup>2</sup> Smith

<sup>3</sup> Richards

<sup>4</sup> Powel

<sup>5</sup> Ham

<sup>6</sup> Kimmel

<sup>7</sup> Tisdell

<sup>8</sup> Wilson

<sup>9</sup> Walter

<sup>10</sup> Reimer

<sup>11</sup> Beaumont

باب سفر و گردشگری (اما نه الزاماً زیست‌بوم‌گردی) به آن‌ها توجه شده است (بنگرید به الکساندر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ ون وینکل<sup>۲</sup> و لاگای<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲؛ پیرس<sup>۴</sup> و فاستر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷؛ اسکارینچی<sup>۶</sup> و پیرس، ۲۰۱۲). بر پایه‌ی یافته‌های تحقیقات اخیر، سفر و گردشگری ارتقای مجموعه‌ای از مهارت‌های فردی و اجتماعی را -از جمله در زمینه‌های اعتماد به نفس، حل مشکلات، ارتباط گرفتن با دیگر افراد و فرهنگ‌ها، استقلال و خوداتکایی و نیز سازگاری و انعطاف- امکان‌پذیر می‌سازد. نظر به اهمیت این مهارت‌ها و تأثیرگذاریشان بر پرورش فردی و اجتماعی شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های گردشگری، در مطالعه‌ی حاضر ابعاد اجتماعی و فردی نیز در کنار ابعاد زیست‌محیطی یادگیری طی فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی آماج تحلیل قرار می‌گیرد.

### روش شناسی تحقیق

در این پژوهش، تحلیل یادگیری و تغییر رفتار شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی با استفاده از روش کیفی اکتشافی مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق و نمونه‌گیری هدفمند میسر شده است. در گام نخست، از میان آژانس‌های خدمات گردشگری، سه بنگاه «گروه طبیعت‌گردی گاندو»، «گروه گردشگری اسپیلت البرز» و «گروه طبیعت‌گردی آنوبانی» بر پایه‌ی معیارهای میزان تمرکز بر فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی و برخورداری از کادر مجرب جهت تحقیق انتخاب شدند (هر سه بنگاه در تهران قرار دارند و طی دوره‌های اوج سفر به ترتیب حدود ۸۵، ۴۰ و ۵ تور طبیعت در ماه به مقاصد متنوع کشور و همراهی راهنمایان مجرب عرضه می‌کنند). متعاقباً، طی فصول بهار و تابستان ۱۳۹۲، شرکت‌کنندگان در تورهای این سه بنگاه هدف مصاحبه قرار گرفتند. به غیر از افراد معرفی‌شده توسط بنگاه‌ها، با بهره‌گیری از روش گلوله برفی، تعداد دیگری از شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی نیز شناسایی و مصاحبه شدند. جهت گزینش پاسخ‌گویان، معیار اصلی سابقه‌ی شرکتشان در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی در نظر گرفته شد. از آن جا که هدف پژوهش ثبت اشکال مختلف یادگیری و تغییر رفتار با استناد به گفته‌ها و به ویژه خاطرات خود شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی بود، گردشگران کم‌تجربه انتخاب نشدند. همچنین، کسانی که سابقه‌ای بس طولانی در زیست‌بوم‌گردی داشتند و رفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و فردیشان احتمالاً سال‌ها پیش از آن شکل گرفته بود از نمونه‌ی پژوهش حذف شدند. نهایتاً با ۲۴ شرکت‌کننده در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی، شامل ۶ زن و ۱۸ مرد، مصاحبه به عمل آمد.

<sup>1</sup> Alexander

<sup>2</sup> Van Winkle

<sup>3</sup> Lagay

<sup>4</sup> Pearce

<sup>5</sup> Foster

<sup>6</sup> Scarinci

مصاحبه‌ها در خانه‌ی سلامت محله‌ی عباس‌آباد، پارک پردیسان، موسسه‌ی تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور و یا انجمن علمی برنامه‌ریزی اجتماعی صورت پذیرفت.

از آنجا که مقوله‌های گوناگون یادگیری و تغییر رفتار ذیل محورهای زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی قبلاً در ایران مورد تحلیل قرار نگرفته بودند، مصاحبه‌ها با رویکرد اکتشافی، سوالات باز و بهره‌گیری از گفته‌های پاسخ‌گویان برای طرح پرسش‌های بیش‌تر انجام شدند. سوالات اصلی در مورد رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های پاسخ‌گویان و هم‌سفرانشان طی سفر، در ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی، مطرح شدند. به ویژه، از پاسخ‌گویان خواسته شد خاطرات خود را بازگو کنند و رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های اخیر و قبلی خود و هم‌سفرانشان را توصیف و با یک دگر مقایسه نمایند. انجام مصاحبه‌ها تا زمان جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر و مطلوب ادامه یافت. سپس، مصاحبه‌ها به صورت متن پیاده شدند. کدگذاری باز اطلاعات به صورت سطر به سطر، عبارت به عبارت، پاراگراف به پاراگراف یا صفحه‌ای (الصاق کد به واحد سطر، عبارت، پاراگراف یا صفحه) در دو مرحله صورت پذیرفت. در مرحله‌ی اول، به واحدهای مورد نظر کد (مفهوم، نام یا پرچسب) داده شد تا سنگ بنای مقوله‌های عمده‌ی بعدی را تشکیل دهند. در مرحله‌ی متمرکز بعدی، از معنادارترین یا فراوان‌ترین کدهای مرحله‌ی اول برای غربال و تقلیل اطلاعات استفاده شد. توضیح آن که، از طریق مراجعه به شرح هر کد و مقایسه‌ی کدها با یکدیگر، کدهای متداخل و مشابه شناسایی و ادغام شدند. بنابراین، انبوه اطلاعات نهایتاً به تعداد بسیار کمتری مقوله‌ی عمده کاهش یافت. همچنین، خروجی‌های مراحل یادشده در معرض نقد دو تن از متخصصان حوزه‌ی زیست‌بوم‌گردی نیز قرار گرفت. لازم به ذکر است که هدف از کدگذاری‌های یاد شده صرفاً دسته‌بندی یافته‌ها و نظم‌بخشی به آن‌ها بوده است که در بخش بعدی عرضه می‌گردد.

### یافته‌های تحقیق

رخ‌نمای پاسخ‌گویان و دسته‌بندی ابعاد یادگیری و تغییر رفتار نزد آنان

۲۱ تن از ۲۴ زن و مرد مصاحبه شده جهت این پژوهش تحصیلات دانشگاهی داشتند. همه‌ی آنان جوان (۲۰ تا ۳۴ ساله) و از توان جسمی لازم برای پیاده‌روی چندساعته، سازگاری با اقلیم‌های متفاوت و حمل بار در سفرهای زیست‌بوم‌گردی برخوردار بودند. پاسخ‌گویان انواع مختلفی از سفرهای زیست‌بوم‌گردی را تجربه کرده بودند (هرچند که طبق معیار استفاده‌شده برای انتخابشان تجربه‌ی طولانی مدت در انجام این گونه سفرها را نداشتند). چند تن از آنان طی مصاحبه‌ها به کوه‌پیمایی و بازدید از قللی مانند دنا و تفتان اشاره کردند. برخی دیگر نیز از سفرهایشان به جنگل ارفع‌ده، چشمه‌ی پراو، جنگل راش، جنگل الیمستان و دشت لار یاد کردند. نزد اکثر پاسخ‌گویان، پیوستن به گروه‌های زیست‌بوم‌گردی از طریق شبکه‌های دوستی میسر شده بود. شکل‌گیری منش و اخلاق خاص در گروه‌های زیست‌بوم‌گردی به ظهور نوعی خرده فرهنگ میان آن‌ها منجر گشته بود که باعث انسجام بین اعضای‌شان نیز می‌شد. از این‌ها مهم‌تر، بر اساس نتایج کلی پژوهش میدانی،

که در این بخش از مقاله مورد تحلیل قرار می‌گیرد، مصاحبه‌شدگان حائز ویژگی‌های اخلاقی زیست‌بوم‌گردی نیز بودند و از این رو، ذیلاً علاوه بر گردشگر یا مصاحبه شده یا شرکت‌کننده در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی، زیست‌بوم‌گرد هم خوانده می‌شوند.

همان طور که در بخش قبلی توضیح داده شد، کدگذاری اولیه‌ی نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه با ۲۴ گردشگر گزیده طیف نسبتاً وسیعی از جنبه‌های یادگیری و تغییر رفتار را نزد آنان به واسطه‌ی شرکتشان در فعالیت‌های زیست‌بوم‌گردی بر ملا ساخت. جدول (۱) پس از غربال و تقلیل نتایج و دسته‌بندی آن‌ها در سه مجموعه‌ی ابعاد زیست‌محیطی، ابعاد اجتماعی و ابعاد فردی یادگیری و تغییر رفتار نزد زیست‌بوم‌گردان مصاحبه شده (از نظر خود آنان) تنظیم شده است. در ادامه‌ی بخش حاضر، این ابعاد یادگیری و تغییر رفتار با ذکر مصادیقشان توضیح داده می‌شوند و مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

جدول (۱): ابعاد یادگیری و تغییر رفتار مصاحبه‌شوندگان

ابعاد زیست‌محیطی	ابعاد اجتماعی	ابعاد فردی
<ul style="list-style-type: none"> <li>• لذت از فهم محیط طبیعی</li> <li>• احترام به محیط زیست و قدردانی از آن</li> <li>• تمایل به شناخت محیط زیست</li> <li>• مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زیست</li> <li>• فعالیت جهت حفاظت از محیط زیست</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• احترام به هم‌سفران و تعامل مثبت با آنان</li> <li>• مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران</li> <li>• پیروی از نظرات جمع</li> <li>• تمایل به کار تیمی</li> <li>• احترام به جامعه‌ی محلی و حس مسئولیت در قبال آن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مسئولیت‌پذیری و احترام نسبت به خود</li> <li>• تاب‌آوری هیجانی</li> <li>• چالش‌پذیری و توانایی عبور از چالش</li> <li>• هویت‌یابی و معنویت</li> </ul>

منبع: حاصل از غربال، تقلیل و دسته‌بندی نتایج مصاحبه‌های انجام‌شده جهت پژوهش حاضر

#### ابعاد زیست‌محیطی یادگیری و تغییر رفتار

طبق یافته‌های تحقیق، بیش‌تر گردشگران مصاحبه شده در سفرهای نخستین خود دیدگاه‌هایی صرفاً لذت‌جویانه نسبت به طبیعت داشته‌اند. به ویژه، بسیاری از آنان در آغاز جهت تفریح یا کسب آرامش به طبیعت پناه آورده بوده‌اند. اما، در طول زمان و با افزایش تعداد سفرها، رویکرد آنان نسبت به طبیعت تغییر کرده است. به گفته‌ی الهام ب. که طی سال‌های گذشته در چندین سفر به طبیعت شرکت داشته:

"در ابتدا تصورم در مورد سفر کاملاً متفاوت بود. این طور فکر می‌کردم که باید در طبیعت حسابی خوشی کنی؛ به پا کردن آتش و قلیان و چای در محیطی زیبا لذت سفر را تکمیل می‌کند؛ اگر کسی باشد که یک تاب درختی هم ببندد، چه بهتر! این دید به دلیل تجربه‌های قبل‌تر من از سفر به وجود آمده بود. سفرهای خانوادگی و دوستانه ذهنیت من را این طور شکل داده بود. همراه شدنم

با افراد حرفه‌ای و راهنما، عکاس و اطرافیانی که اطلاعات خوبی داشتند باعث شد من همه چیز را یک‌طور دیگر ببینم."

بازدید از مناطق گوناگون با اقلیم‌های مختلف، لمس طبیعت بکر از نزدیک و درک زیبایی‌های بصری موجب ایجاد پیوند میان گردشگران و طبیعت گشته است؛ تدریجاً، ماهیت لذت‌نزد گردشگران ارتقا یافته و معطوف به درک محیط و حس احترام نسبت به آن شده است. علی‌ز. که به گفته‌ی خود تجارب زیادی طی سفرهایش کسب کرده بود، نظرش را برای ما چنین بیان نمود:

"هیچ وقت نتوانستم بین کوه، دریا، جنگل و کویر اولویت قائل بشوم و بگویم یکی بهتر از دیگری است. هر جا می‌رفتم عظمت و زیبایی طبیعت مرا شگفت‌زده می‌کرد و سر تعظیم فرود می‌آوردم. در هر منطقه و هر محیطی چیزهایی چنان مرا به خود مجذوب می‌کند که ذهنم قادر به درکشان نیست. من فکر می‌کنم که آدم به جایی می‌رسد که حسی دو طرفه با طبیعت برقرار می‌کند."

هم‌چنین، به گفته‌ی چند تن دیگر از گردشگران، حضور در طبیعت یادآور این نکته است که انسان در همه حال به محیط طبیعی وابستگی حیاتی دارد و آگاهی از این وابستگی حس قدردانی فرد را نسبت به کوچک‌ترین ذرات محیط طبیعی بر می‌انگیزد. نزد اکثر مصاحبه‌شدگان، حس احترام به طبیعت و قدردانی از آن با تمایل به کسب آگاهی و ارتقای دانش در مورد محیط زیست توأم شده است. اکنون اهم انگیزه‌های بسیاری از گردشگران مصاحبه‌شده از دیدن جاذبه‌های طبیعی مشتمل بر کنجکاوای جهت‌شناخت و مطالعه‌ی گونه‌های گیاهی و جانوری نایاب و ذخایر طبیعی است که در عین حال موجب افزایش آگاهی آنان در مورد طبیعت گشته است. به سخن دیگر، شناخت طبیعت و حس احترام و قدردانی نسبت به آن طی فرایندی مطلوب موجب تقویت یک دگر شده‌اند. به قول مجید الف.:

"در گذشته، وقتی بچه‌ها یک حیوان می‌دیدند اولین کاری که به ذهنشان می‌رسید این بود که به سمتش سنگ پرتاب کنند. الآن اولین کاری که می‌کنند این است که با دوربین‌شان از آن عکس می‌گیرند. سفر موقعیتی است که می‌تواند اهمیت محیط زیست را برای عموم مردم افزایش بدهد."

تمایل به کسب اطلاعات با علایق فردی گردشگران به جاذبه‌های طبیعی از قبیل غارها، جنگل‌ها و گونه‌های گیاهی و جانوری مرتبط بوده و هر فرد بسته به علاقه‌مندی‌های خود به کسب اطلاعات و ارتقاء دانش در مورد محیط پرداخته است. در عین حال، نزد تقریباً تمامی مصاحبه‌شدگان، نوعی علاقه به کسب اطلاعات و ارتقای دانش درباره‌ی محیط زیست مشاهده می‌شود. البته این تمایل به کسب اطلاعات در مورد مقصد سفر در سطوح مختلفی قرار گرفته است. برخی به جمع‌آوری اطلاعات پایه در مورد منطقه‌ی مقصد در زمینه‌ی اقلیم، موقعیت جغرافیایی یا دیگر علاقه‌مندی‌ها و ویژه‌ی خود از طریق بروشور، کتاب یا جستجوی در اینترنت می‌پردازند. به گفته‌ی ریحانه ج.:



"نمی‌توانم بدون اطلاعات وارد یک منطقه بشوم. این جزئی از برنامه‌ریزی قبل از سفرم است. سعی می‌کنم اطلاعات کلی راجع به منطقه مثل وضعیت آب و هوایی، ارتفاع، جاذبه‌های طبیعی و زبان مردم محلی آن به دست بیاورم. بدون اطلاعات وارد منطقه شدن فاجعه است."

عده‌ای هم به دنبال اطلاعات تخصصی در باب پدیده‌های مختلف طبیعی از جمله گونه‌های گیاهی و جانوری هستند. مجید الف. (محقق گیاه‌شناسی) هدف خود را از سفرهای زیست‌بوم‌گردی‌اش چنین بیان نمود:

"ما در آرشیو پژوهش‌کنده‌ی گیاه‌شناسی ایران به دنبال جمع‌آوری انواع گیاه‌های بومی کشور هستیم. آن‌ها را خشک می‌کنیم و در آن جا نگه می‌داریم. هدفم در سفرهای اخیر پیدا کردن یک نمونه‌ی گیاهی به اسم پرسیاووشان بود. برای این که بتوانم آن را پیدا کنم، به منابع مختلف ایرانی و خارجی رجوع کردم. فهمیدم که این گیاه را می‌توانم کنار آبشارها و چاه‌های قدیمی پیدا کنم."

در کل، نتایج مصاحبه‌ها حاکی از آن است که حضور گردشگران در طبیعت و تجربه‌ی آن از نزدیک منجر به ارتقای فهم و تمایل آنان نسبت به کسب آگاهی درباره‌ی محیط زیست شده است. در عین حال، ارتقای دانش و تمایل به کسب اطلاعات بیش‌تر نزد گردشگران تا حد زیادی متأثر از تکرار تجربه‌ی سفر به همراه افراد مطلع بوده است. به گفته‌ی چند تن از مصاحبه‌شدگان، به واسطه‌ی تکرار سفر به همراه افراد مطلع، توجهشان متزایداً به اهمیت محیط زیست و آگاهی نسبت به آن جلب گشته و سرانجام موجب شکل‌گیری احساس مسئولیت نسبت به طبیعت نزد آنان شده است. افزون بر این، ارتقای حس مسئولیت نسبت به طبیعت متعاقباً نحوه‌ی تعامل آنان با محیط و بازدارنده‌های درونی اخلاقی‌شان را شکل داده است. محسن ک. خاطره‌ای را از دوست خود بدین صورت برای ما نقل کرد:

"زمانی که درختان خیابان ولی‌عصر را قطع کردند، من در فیس‌بوک به دوستم برای پیوستن به کمپین اعتراض پیغام دادم. او جوابم را داد که: «برو بابا؛ حالا چند تا درخت قطع شده؛ چرا این قدر جنجال می‌کنی؟» بعد از آن به یک سفر جنگل راش دعوتش کردم. هیچ وقت این جمله‌اش از یادم نمی‌رود که گفت: «افسوس! آینده‌ی بدون راش را [الآن] درک کردم."

زیست‌بوم‌گردی به همراه افراد مطلع فرصتی را برای گردشگران فراهم آورده است تا وابستگی خود به طبیعت را به شکلی ملموس‌تر درک و مشکلات نابودی منابع را از نزدیک حس کنند. به طور مشخص‌تر، یادگیری در مورد مسئولیت نسبت به محیط زیست به طور غیر مستقیم از طریق رفتارهای گروهی تشویق شده و به نمایش گذاشته شده طی سفرها از جمله در پیوند با نقش طبیعت در چرخه‌ی حیات، نقش فرد در طبیعت و بازدارنده‌های اخلاقی زیست‌محیطی میسر شده است. طی مصاحبه‌ها، اغلب به تعادل معمول در طبیعت و نقش انسان در برهم زدن آن اشاره شد. به گفته‌ی چند تن از مصاحبه‌شدگان، بقا و دوام هر محیط بسته به حفظ تعادل‌های آن و برهم زدن

آن موجب تخریب و اضطراب است. فرزانه ج. با نقل بخشی از شعر معروف سهراب سپهری موضوع را بدین شکل برای ما بیان نمود:

"یاد من باشد کاری نکنم که به قانون زمین بربخورد، ... و نخواهیم مگس از سرانگشت طبیعت بپرد/ و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون/ و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت."

ظاهراً بسیاری از هم‌سفران و راهنمایان تور گردشگران مصاحبه‌شده در اشاعه‌ی رفتارهای حفاظتی و سبک‌های مصرفی به منظور بهبود وضعیت محیط زیست بسیار موثر عمل کرده‌اند. آنان با در اختیار قرار دادن تجارب و اطلاعاتشان باعث افزایش آگاهی و ارتقای توجه گردشگران به نوع رفتار مصرفی‌شان شده‌اند. این تجارب خود طی سفر موجب توجه به عدم تولید صدای بلند در استراحت‌گاه‌ها و مناطق حفاظت‌شده، دور کردن زباله‌های غیر قابل بازیافت از محل یا حفظ فاصله میان محل دفن فضولات انسانی با منابع آب شده است. تعدادی از گردشگران مصاحبه‌شده به فعالیت‌های حفاظت از محیط زیست تمایل یافته و به برخی اقدامات فردی و گروهی در این زمینه دست زده‌اند. چند نفر از آنان در اوقات فراغت خود به پاک‌سازی مناطق طبیعی پرداخته‌اند. برخی دیگر نیز اقدام به ایجاد وب‌گاه به منظور توصیف تجارب سفرهای خود و افزایش آگاهی عمومی نموده‌اند. به گفته‌ی بیش‌تر مصاحبه‌شدگان، تغییرات رفتاری مطلوبی که به واسطه‌ی تجربه‌ی سفر زیست‌بوم‌گردی در آنان ایجاد شده آثار شگرفی بر زندگی روزمره‌شان گذاشته است از جمله در زمینه‌های عادات مصرفی، تفکیک زباله و بازیافت، حفاظت از منابع انرژی و آب، تمایل به گیاه‌خواری، نپوشیدن لباس‌هایی از جنس پوست حیوانات و پایداری سبک زندگی. در کل، تقریباً همه‌ی گردشگران مصاحبه‌شده دغدغه‌ی زیست‌محیطی را مسئله‌ای کانونی محسوب و احساس می‌کنند نابسامانی‌های بزرگی در طبیعت کشور عارض شده است که باید هرچه سریع‌تر راهکارهایی برای مقابله با آن‌ها صورت‌بندی شود. مجید الف. طی مصاحبه رویکرد خود و برخی دیگر از فعالان را این گونه توصیف کرد:

"از نظر من، دین خود را به طبیعت باید با معرفی منطقه ادا کرد. در مناطق بکر و دست‌نخورده، سوجویان راحت‌تر دست به تعرض می‌زنند. مثلاً سرخورد آمل به عنوان یک منطقه‌ی طبیعی حفظ شده است، چون فعالان محیط زیست برای شناساندن آن کوشیدند و به نوعی مرکز توجه قرار گرفت. اما، در مقابل، تالاب امیرکلا به مراتب حساسیت کمتری دارد و متأسفانه شکار در آنجا صورت می‌گیرد."

گردشگران مصاحبه‌شده هم‌چنین اکثراً بر این باور بودند که در بخش عمومی راهبرد مشخصی برای اشاعه‌ی فرهنگ حفظ محیط زیست آسیب‌پذیر کشور مشاهده نمی‌شود. از این رو، اشاعه‌ی این فرهنگ را تا حد زیادی در گرو فعالیت‌های فرد و اجتماعی در جامعه‌ی مدنی می‌دانستند. پویا ن. اهمیت موضوع را بدین شکل برای ما توضیح داد:

با کسانی که هنجارهای محیط زیست را رعایت نمی‌کنند برخورد قانونی نمی‌شود؛ همان طور که اگر کسی در شهر وسط خیابان آشغال بریزد با او برخورد نمی‌شود. رعایت هنجارهای محیط زیست کاملاً وابسته به اخلاق افراد و حس مسئولیت‌پذیری‌شان نسبت به طبیعت است.

#### ابعاد اجتماعی یادگیری و تغییر رفتار

چند نفر از مصاحبه‌شدگان به این نکته اشاره کردند که انسان به عنوان موجودی اجتماعی در زندگی جمعی خویش در برابر دیگران مسئول است و می‌بایست برای حقوق دیگران احترام قائل شود. به گفته‌ی آنان، طی سفرهای زیست‌بوم‌گردی، احترام به دیگران در دو حوزه تقویت و تشویق می‌شود: یکی احترام به هم‌سفران در پیوند با استماع نظرات و توجه به احساسات، زمان مورد نیاز و توانایی جسمی‌شان، و دیگری احترام به آداب و رسوم، ارزش‌ها، باورها و حریم شخصی اعضای جماعت محلی و حس مسئولیت نسبت به زندگی آنان. از آن جا که نحوه‌ی تعامل گردشگران با جماعت محلی در شماری از مطالعات داخلی مورد توجه قرار گرفته، تحلیل جنبه‌های گوناگون آن از موضوعات اصلی پژوهش حاضر نبوده است. اما مصاحبه‌شدگان جهت این مقاله خود در مواردی چند به رابطه‌ی زیست‌بوم‌گردان با جماعت محلی به ویژه احساس مسئولیت‌شان نسبت به معیشت بومیان اشاره کردند. گفته‌های کاوه ف. در این باب به عنوان نمونه در اینجا ذکر می‌گردد.

"معمولاً ما در سفرها احتیاج به راهنمای محلی داریم. آن‌ها خیلی خوب منطقه را می‌شناسند و دانش تجربی خوبی هم دارند. شاید اطلاعات علمی خوبی نداشته باشند، ولی در مورد منطقه‌ی خودشان آگاهی دارند. اگر گروهی بخواهند به منطقه‌ای سفر کنند، حتماً شماره‌ی تلفن بلد راه را به آن‌ها می‌دهیم. برای حمل وسایل هم، اگر وسیله‌ی نقلیه بشود برد، از خود مردم منطقه استفاده می‌کنیم. اگر مال رو باشد که قاطر یا الاغ کرایه می‌کنیم تا وسایل را بیاورد. معمولاً وقتی وانت می‌خواهی یا چیز دیگری احتیاج داری، راهنماهای محلی از نزدیکان خودشان [کسی را] معرفی می‌کنند. در بعضی مناطق می‌بینیم که از حضور اکوتوریست‌ها فقط یک خانوار سود می‌برد. یک جور انحصار [ایجاد] کرده‌اند و فقط خودشان خدمات ارائه می‌کنند. در این موارد ما سعی می‌کنیم با بقیه افراد منطقه هم ارتباط بگیریم تا از این حالت انحصاری که به ضرر هر دو طرف است (چون آن کسی که همیشه مسافر دارد، نرخ بالاتری می‌دهد) خارج بشود. از طرف دیگر هم، تقریباً در همه‌ی سفرهای چند روزه، یک یا دو شب اقامت در خانه‌های مردم روستا لازم است. [گذراندن] چند شب پشت سر هم در چادر خیلی سخت است. خوابیدن طولانی مدت در چادر با رطوبت و سرما عواقب زیادی هم دارد. اگر امکان اقامت در خانه‌ی محلی‌ها [وجود داشته] باشد، هم خستگی و فشار سفر کم می‌شود [و] هم سودی عاید مردم آن روستا ... غذای محلی و ارتباط با مردم و گپ و گفت با آن‌ها خیلی جالب است. حرف زدن با آن‌ها خیلی دید آدم را عوض می‌کند."

صرف نظر از موضوع تعامل با جماعت‌های محلی، به گفته‌ی اکثر مصاحبه‌شدگان، در توره‌ای زیست‌بوم‌گردی، هم‌سفران نسبت به خواسته‌های یکدیگر حساس می‌شوند و در صورت نیاز با

یکدیگر همکاری و به هم کمک می‌کنند. به نظر آنان، فضای محترمانه‌ای که سفر زیست‌بوم‌گردی ایجاد می‌کند افراد شرکت‌کننده را به سمت رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی توأم با احترام سوق می‌دهد. همچنین، غالب گروه‌های زیست‌بوم‌گردی ساختاری دوستانه دارند که در آن ارائه‌ی بازخوردهای منفی نسبت به دیدگاه‌های مخالف کم‌تر دیده می‌شود و فرد واهمه‌ی کمتری از صحبت کردن و بیان نظرات خود دارد. کاوه ف. وضع فوق را این گونه توصیف کرد:

"غالب سفرهای ما جو دوستانه و صمیمی دارند و ممکن است خیلی از بچه‌ها همدیگر را بشناسند. بعضی وقت‌ها بچه‌های تازه‌واردی در گروه‌های ما همراه می‌شوند. یک عده از آن‌ها را باید بیابوری در جمع تا به آنرا کشیده نشوند. اما از این تازه‌واردها کسانی هم هستند که از اول خیلی عجیب و غریب با همه صمیمی می‌شوند و روی رفتار خودشان کنترل ندارند. حتی در مسائل شخصی دیگران هم دخالت می‌کنند. همین بچه‌ها بعد از چند سفر خیلی رفتارشان معتدل می‌شود."

به گفته‌ی چند تن از مصاحبه‌شدگان، مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران طی سفرهای زیست‌بوم‌گردی از جمله به صورت توجه به توانایی‌های جسمی همه‌ی افراد گروه در برنامه‌ریزی سفر، حمل بار توسط اعضای گروه متناسب با جثه و قدرتشان و حمل وسایل هم‌سفر خسته یا آسیب‌دیده عینیت پیدا می‌کند. علی ز. نمونه‌ای از آن را بدین شکل برای ما نقل نمود:

" [یک بار هنگام کوه‌نوردی] ریه‌ام ... اکسیژن مورد نیاز را تأمین نمی‌کرد. من هم تجربه نداشتیم و نمی‌دانستم چرا این طور می‌شود. یکی از دوستان سریع‌تر رفت و بارش را گذاشت و بعد آمد بار من را برداشت تا من هم بتوانم صعود کنم."

هم‌چنین، به نظر مصاحبه‌شدگان، حضور در گروه زیست‌بوم‌گردی گردشگران را توانمند می‌سازد. گردشگران می‌آموزند چگونه در جریان سفر با سایر اعضای گروه تعامل داشته باشند، تابع نظم گروه باشند و به خوبی وظایف خود را انجام دهند. حضور در میان ترکیبی از افراد باتجربه و مبتدی با زمینه‌های شغلی، درآمدی و تحصیلی متفاوت موجب افزایش آگاهی اجتماعی شرکت‌کنندگان و یادگیری و ارتقای مهارت‌های تعامل اجتماعی‌شان می‌شود. مجید الف. در توضیح این موضوع به ما گفت:

"وقتی جوان تر بودم و به سفر می‌رفتم سعی می‌کردم که نظرات خودم را یک جور بگویم و یا اگر نظر جمع با نظر من یکی نبود با آن مخالفت کنم. اما در سفر رفتارهایی می‌دیدم که من را تغییر می‌داد. کسانی با ما در سفر همراه می‌شدند که به قولی از قدیمی‌های سفر بودن و یک عالم تجربه داشتند. می‌دیدم که این افراد خیلی کم‌تر صحبت می‌کنند مگر این که از شان چیزی را بپرسی یا بخواهی. این دست از رفتارها برایم الگو شده. الان که سفر می‌روم اصولاً سعی می‌کنم که نظر جمع را قبول کنم. روی حرف جمع حرف نمی‌زنم، مگر این که بدانم یک تصمیم اشتباه گرفته شده که سفر را دچار مشکل می‌کند."

طبق نظر اکثر مصاحبه‌شدگان، سرپرستان گروه‌های زیست‌بوم‌گردی افراد کاردانی هستند. تقسیم وظایف و برنامه‌ریزی و زمان‌بندی و مدیریت سفرها بر عهده‌ی سرپرستان است. آنان به خوبی می‌دانند به موقعیت‌های گوناگون چگونه عکس‌العمل نشان دهند. با اعضای گروه رفتاری مناسب و توأم با مهربانی دارند و همه را به مشارکت دعوت می‌کنند و میانشان تبعیض قائل نمی‌شوند. این رفتار فضای صمیمی و دوستانه‌ای را میان اعضای گروه برقرار می‌کند و موجب تسهیل ارتباط مثبت میان آنان می‌گردد. افزون بر این، به گفته‌ی گردشگران مصاحبه‌شده، سرپرستان گروه‌های زیست‌بوم‌گردی فروتنی زیادی از خود نشان می‌دهند و با وجود آن که بسیاری از مسیرها را قبلاً تجربه کرده‌اند و دانش محیطی زیادی دارند، در تعامل با اعضای گروه و انتقال اطلاعات به آنان آرام و متواضع عمل می‌کنند. اختلاف نظر و تعارض میان اعضای گروه نیز توسط سرپرست حل و فصل می‌شود. به قول رسول ش. "در سفر، هم‌سفر مهم‌ترین چیز و سرپرست تیم مهم‌ترین هم‌سفر است". هم‌چنین، به گفته‌ی نرگس ر.:

"با بعضی از لیدرها که سفر می‌روی دیدت را عوض می‌کنند. واقعاً احساس می‌کنی «چقدر چیزهای متنوعی بود که می‌توانستم یاد بگیرم و نسبت به آن‌ها بی‌توجه بودم». مجذوب دانش و آگاهی لیدر می‌شوی. این لیدرها خوب می‌توانند فضای سفر را کنترل کنند."

قطع نظر از نقش سرپرستان گروه‌ها، به گفته‌ی مصاحبه‌شدگان، در سفرهای زیست‌بوم‌گردی افراد نسبت به کارهای تیمی تمایل پیدا می‌کنند. در واقع، بیش‌تر سفرهای زیست‌بوم‌گردی ماهیتی جمعی دارند و برگزاری‌شان به صورت انفرادی امکان‌پذیر نیست. طی بسیاری از فعالیت‌های گروهی، تمرکز شرکت‌کنندگان معطوف به حصول موفقیت گروهی است. از این رو، به گفته‌ی چند تن از مصاحبه‌شدگان، آنان توافق، سازش و امتناع از پافشاری بر نظر خود را طی فعالیت‌های تیمی تمرین کرده‌اند. به علاوه، تجربه‌ی فعالیت‌های تیمی و مشارکتی در سفرهای زیست‌بوم‌گردی غالباً توأم با خاطره‌های خوب و به‌یادماندنی است. محمد گ. جنبه‌های مثبت فعالیت‌های تیمی را طی سفرهای زیست‌بوم‌گردی این‌گونه برای ما توضیح داد:

"عده‌ای ذاتاً کارهای تیمی را دوست دارند و هر جا که شروع به کاری می‌شود پیش‌قدمند. هدف سفر این است که فعالیت افراد را گسترش بدهد و آن‌ها را توانمند کند؛ حتی افرادی که خیلی تمایل به کار گروهی ندارند را به این سمت جهت بدهد."

آرش م. نیز موضوع اخیر را این‌طور برای ما بیان کرد:

"شما با گروهی سفر می‌کنید. ارتباطات است که آن گروه را راه‌اندازی می‌کند؛ راه می‌برد؛ کیفیت برنامه را بالا می‌برد. بچه‌ها با هم می‌گویند و می‌خندند. روحیه‌ی هم‌کاری قوی دارند. بعضی جاها افراد با هم کلونی درست می‌کنند. این کار یک ماهیت ارتباطی دارد. همه‌ی اعضا بایستی زیر یک چتر باشند."

### ابعاد فردی یادگیری و تغییر رفتار

به گفته‌ی چند نفر از گردشگران مصاحبه‌شده، سفر زیست‌بوم‌گردی فرصتی مناسب را برای دستیابی به خودآگاهی فراهم می‌آورد، که اغلب به بروز رفتارهای مفید و مسئولانه نیز می‌انجامد. نظر به ماهیت سفرهای زیست‌بوم‌گردی، شرکت‌کنندگان در آن‌ها امکان کسب آگاهی در مورد خصایل مثبت، توانایی‌ها و استعدادهای خود را می‌یابند و از آن کسب رضایت می‌کنند. در عین حال، گردشگران بر نقاط ضعف و کاستی‌های خود واقف می‌شوند. فضای سفر فرصتی را فراهم می‌آورد که افراد نقش‌هایی متفاوت از آنچه در زندگی روزمره با آن سروکار دارند را بپذیرند و شرایطی را مهیا می‌سازد که فرد انتظاراتی را برآورده سازد که تا پیش از آن نزد او از اهمیت چندانی برخوردار نبودند. هم‌چنین، در سفرهای زیست‌بوم‌گردی مسئولیت فرد نسبت به خود، از جمله در حفظ سلامت جسمانی و جلوگیری از آسیب‌دیدگی، برجسته می‌شود. حضور در طبیعت توأم با چالش‌ها و مخاطراتی است. مواجهه با چالش‌ها و ارائه‌ی راهکارهای فوری و منطقی برای آن‌ها طی سفر مهارت‌های تاب‌آوری زیست‌بوم‌گرد را بهبود می‌بخشد و او را در کنترل هیجانات و احساسات خود توانمند می‌سازند. محمد ز. در این مورد خاطره‌ی ذیل را برای ما تعریف کرد:

"برای صعود به قله‌ی هزار کرمان رفته بودیم؛ قصد صعود از جبهه‌ی جنوبی در منطقه‌ی اردبکان و روستای باب زندگی را داشتیم. حدود ۳۳۰۰ متر ارتفاع دارد. وارد جاده‌ی خاکی روستا شدیم که هوا دگرگون شد. صعود را شروع کردیم. در ارتفاع ۳۰۰۰ متری هوا برفی و مه‌آلود شد و باد سردی هم می‌آمد. تعدادی از اعضا از ادامه‌ی صعود منصرف شدند. شرایط سختی بود؛ باید تصمیم می‌گرفتیم که ادامه بدهیم یا برگردیم. هرکدام مشکلات خودش را داشت."

به گفته‌ی بیش‌تر گردشگران مصاحبه‌شده، مواجهه با چالش‌ها تمرکز و تلاش زیادی می‌طلبد و نیازمند یادگیری مجموعه‌ای از مهارت‌هاست. هر اندازه فرد مهارت‌های بیشتری کسب کند و با تجربه‌ی بیش‌تری در محیط طبیعی حضور یابد، عبور از چالش‌ها برایش آسان‌تر خواهد بود. تلاش در عبور از چالش‌ها افراد را توانمند و اعتماد به نفس آنان را بیش‌تر می‌کند. ریحانه ج. یکی از آثار سفرهای خود را این‌طور نقل کرد:

"مشکلاتی که در سفر پیش آمد به من یاد داد که هر وقت اتفاقی افتاد به عنوان یک مسئله به آن نگاه کنم - یک مسئله با یک راه حل. خیلی از هیجانات و استرس‌ها و شلوغ‌بازی‌ها در مواجهه با مشکلات واقعاً بی‌معناست. همه‌اش می‌گویم که اول باید فکر کنم که چکار کنم."

به نظر افراد مصاحبه‌شده، زیست‌بوم‌گردان از یک سو در طول سفر امکان ابراز نظرات، احساسات و افکار خود را می‌یابند و از سوی دیگر در هدایت هیجانات خود توانمندتر می‌شوند. این‌ها خود موجب شکل‌گیری تفکر مثبت و سازنده در فرد می‌گردد و به بهبود جریان هویت‌یابی در او می‌انجامد. به گفته‌ی پویا ن.:

"سفر خیلی به من کمک کرد که بتوانم در جمع حرف بزنم، نظراتم را بگویم، یا حتی دنبال نظرات افرادی باشم که تجربیات بیشتری دارند."

سرانجام آن که چند تن از گردشگران مصاحبه‌شده به کسب نوعی معنویت به واسطه‌ی تجارب متفاوت در سفرهایشان نیز اشاره کردند. ظاهراً برخی از آنان در پی یافتن هدف زندگی خود در طبیعت و بعضی دیگر به دنبال کیستی خود یا ذات ناشناخته هستند. مثلاً محسن ک. ابعاد معنوی سفرش را این گونه برای ما توضیح داد:

"کتابی در مورد مناطق حفاظت‌شده می‌خواندم که می‌گفت یکی از کاربردهای مناطق حفاظت‌شده در دنیا جستجوی معنای زندگی است. سفر برای من یک جور کندن از زندگی است، فاصله گرفتن از روزمرگی، رهایی."

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله، با استفاده از روش کیفی اکتشافی و مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق، تأثیر تجربه‌ی سفر زیست‌بوم‌گردی در زمینه‌ی یادگیری و تغییر رفتار از منظر گردشگران ایرانی مورد تحلیل قرار گرفته است. نقطه‌ی قوت مطالعه توجه به سه بعد زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی یادگیری و تغییر رفتار به طور هم‌زمان و تازگی موضوع آن در میان پژوهش‌های ایران در باب گردشگری و به ویژه زیست‌بوم‌گردی است. نتایج مصاحبه‌های انجام‌شده با شرکت‌کنندگان در تورهای زیست‌بوم‌گردی (اکثراً تورهای سه بنگاه معتبر گردشگری کشور) حاکی از یادگیری و تغییر رفتار گردشگران کم در سه زمینه‌ی زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی است. همه‌ی افراد مصاحبه‌شده آشکالی از یادگیری و تغییر رفتار را به واسطه‌ی تجربه‌ی سفرهای خود گزارش کرده‌اند. در زمینه‌ی زیست‌محیطی، گردشگران در پی سفرهای خود از لذت‌گرایی صرف به کسب لذت از فهم محیط طبیعی، احترام به آن و قدردانی از ویژگی‌هایش سوق داده شده‌اند. بسیاری از آنان متزایداً به شناخت بهتر محیط زیست تمایل یافته‌اند. لذت از فهم محیط طبیعی، احترام به طبیعت و قدردانی از آن و به ویژه تمایل به شناخت ویژگی‌های آن خود موجب ارتقای مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زیست نزد گردشگران مصاحبه‌شده گشته است. مصاحبه‌شدگان معتقدند که آموخته‌های زیست‌محیطی‌شان حین سفرهای زیست‌بوم‌گردی تغییرت مطلوبی را در زندگی روزمره‌ی آنان از جمله در زمینه‌های عادات مصرفی، تفکیک زباله و بازیافت، حفاظت از منابع انرژی و آب، عدم تمایل به گوشت‌خواری، نپوشیدن لباس‌هایی از جنس پوست حیوانات و پایداری سبک زندگی رقم زده است. افزون بر این، چند تن از گردشگران مصاحبه‌شده به فعالیت‌های زیست‌محیطی از قبیل پاک‌سازی طبیعت و تهیه‌ی وب‌گاه برای اطلاع‌رسانی در مورد مسایل محیط زیست روی آورده‌اند. یادگیری و تغییر رفتار در میان گردشگران مصاحبه‌شده به واسطه‌ی شرکت در سفرهای زیست‌بوم‌گردی شامل ابعاد اجتماعی نیز بوده است. گردشگران طی سفرهایشان احترام به هم‌سفران و جامعه‌ی محلی و نیز تعامل مثبت با یکدیگر و مسئولیت‌پذیری نسبت به هم را آموخته‌اند. پیروی

از نظرات جمع و تمرین انجام کار گروهی نیز از دیگر ابعاد اجتماعی سفر زیست‌بوم‌گردی نزد مصاحبه‌شدگان بوده است. سرپرستان گروه‌های زیست‌بوم‌گردی نمونه‌ی مورد مطالعه نقشی کانونی در ایجاد فضای مناسب جهت بروز آثار فوق داشته‌اند. سرانجام آن که، طبق یافته‌های پژوهش، ابعاد فردی یادگیری و تغییر رفتار نزد زیست‌بوم‌گردان مصاحبه‌شده مشتمل بر مسئولیت‌پذیری و احترام نسبت به خود، تاب‌آوری در مواجهه با دشواری‌ها و هیجانات، توانایی در دست و پنجه نرم کردن با چالش‌ها و نیز هویت‌یابی و دست یافتن به نوعی معنویت بوده است.

طبیعتاً عوامل متعددی تسهیل‌گر یادگیری و تغییر رفتار زیست‌بوم‌گردان مورد مطالعه در ابعاد متنوع زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی بوده‌اند. آنچه در این باب از گفته‌های مصاحبه‌شدگان استنباط می‌شود شامل هم‌سفر شدن با اشخاص آگاه و مطلع، حضور افرادی از طبقات اجتماعی و اقتصادی متفاوت در گروه‌ها، وجود سرپرستان با تجربه، ماهیت ویژه و چالش‌برانگیز زیست‌بوم‌گردی و هنجارها و ارزش‌های متعارف میان زیست‌بوم‌گردان است. علاوه بر این‌ها، تکرار سفرها و افزوده شدن بر تجارب عمومی و دانش زیست‌محیطی گردشگران و به ویژه کنششان در چارچوب اصول حاکم بر سفرهای زیست‌بوم‌گردی مجموعه‌ای از تغییرات مطلوب رفتاری را در آنان رقم زده است.

یافته‌های فوق تا حد زیادی حاکی از مشابهت آثار زیست‌بوم‌گردی بر گردشگران ایران و دیگر جای‌ها در ابعاد فردی (الکساندر و همکاران، ۲۰۱۰)، اجتماعی (پیرس و فاستر، ۲۰۰۳؛ اسکاربینچی و پیرس، ۲۰۱۲) و زیست‌محیطی (مینرت، ۲۰۱۲؛ پاول و هام، ۲۰۰۸؛ کیمل، ۱۹۹۹؛ تیسدل و ویلسون، ۲۰۰۵) است. اما همان‌طور که در مقدمه ذکر گردید، برخی نگرانی‌ها در مورد سفرهای طبیعت‌گردی در ایران وجود دارد. نمونه‌ی پژوهش حاضر بیش‌تر شامل گردشگران شرکت‌کننده در مجرب‌ترین تورهای زیست‌بوم‌گردی ایران بوده و قطعاً ممکن است بسیاری از سفرهای طبیعت‌گردی کشور حائز ویژگی‌های مثبت یادشده در زمینه‌ی یادگیری و تغییر رفتار نباشند. در عین حال، بر پایه‌ی یافته‌های این پژوهش، لزوم توجه خاص مسئولان هنگام سیاست‌گذاری و وضع ضوابط در این حوزه به تسهیل جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و فردی یادگیری و تغییر رفتار طی سفرهای زیست‌بوم‌گردی بدیهی به نظر می‌رسد. در شرایط متعارف، مسئولان سازمان محیط زیست و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری می‌توانند با اجرای برنامه‌های ویژه و هدفمند به تربیت کادر مجرب و ارتقای دانش برای تشکیل گروه‌ها و تورهای زیست‌بوم‌گردی بپردازند. اما احتمال می‌رود در وضع فعلی رویکردهای جزمی یا علایق انحصاری پایه‌ی سیاست‌گذاری و وضع ضوابط قرار بگیرند و موجب تضعیف فعالیت‌های خودانگیخته‌ی کنونی نیز بشوند. از این رو، هر گونه اقدام برای تسهیل توسعه‌ی این حوزه باید با درایت و اطلاعات کافی صورت پذیرد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود در گام نخست مطالعات گسترده‌تری در زمینه‌ی یادگیری و تغییر رفتار نزد زیست‌بوم‌گردان و دیگر طبیعت‌گردان ایران انجام گردد و به ویژه آثار شیوه‌های مختلف آموزش، چه غیر مستقیم و چه مستقیم، به شکلی دقیق سنجیده شود.



## منابع

۱. امیراحمدی، ابوالقاسم و مظفری، حسن (۱۳۹۱). تحلیل پهنه‌های مناسب توسعه‌ی اکوتوریسم در استان زنجان، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۰۶: ۱۵۰-۱۳۵.
۲. خبرآنلاین (۱۳۹۳، ۱۶ شهریور). تورگردانان علیه طبیعت‌گردان: تورهای ماجراجویی زیرزمینی و ارزان تجربه‌ی سفر را خراب می‌کنند. دسترسی از <http://www.khabaronline.ir/detail/401885/society/tourism>
۳. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳، ۶ اسفند). مدیرکل کمیته‌ی ملی طبیعت‌گردی معاونت گردشگری در گفت‌وگو با تسنیم. دسترسی از <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/490581>
۴. خدائیان، سعید؛ فکری‌زاده، نازنین و ارسطو، بهروز (۱۳۹۳). امکان‌سنجی نواحی مستعد توسعه‌ی اکوتوریسم در شهرستان تالش با بهره‌گیری از GIS. *پژوهش‌های جغرافیای طبیعی*، شماره ۹۰، ۴۹۴-۴۷۷.
۵. سجاسی قیداری، حمدالله؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی و آذر، عادل (۱۳۹۳). الگوی توسعه‌ی کارآفرینی اکوتوریسم در مناطق روستایی (مطالعه‌ی موردی: رود دره‌های گردشگری استان تهران)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۸۸: ۲۷۳-۲۹۲.
۶. سلطانی، زهرا؛ کیانی، صدیقه و تقدیسی، احمد (۱۳۹۲). نقش اکوتوریسم در فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد (نمونه‌ی موردی: شهرستان خوانسار)، *فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۱۱: ۱۵۲-۱۳۷.
۷. طاوسی، تقی؛ خسروی، محمود و رحیمی، دانا (۱۳۹۳). مکان‌یابی پهنه‌های مناسب اکوتوریسم: مطالعه‌ی موردی منطقه‌ی اورامانات، *فصلنامه‌ی آمایش جغرافیایی فضا*، شماره ۱۳: ۴۱-۱۹.
۸. عینالی، جمشید؛ جعفری، غلام‌حسن و تبیره، اسماعیل (۱۳۹۳). ارزیابی نقش اکوتوریسم در توسعه‌ی مناطق روستایی: مطالعه‌ی موردی دهستان اورامان تخت-شهرستان سروآباد، *فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردشگری*، شماره ۹: ۲۱۲-۱۹۲.
۹. موحدی، سعید؛ امانی، حامد و بنی‌کمالی، سهند (۱۳۹۲). شناسایی و محاسبه‌ی ظرفیت تحمل پهنه‌های مستعد توسعه‌ی اکوتوریسم در منطقه‌ی سبلان، *مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، شماره ۴۹: ۱۵۴-۱۴۱.
10. Alexander, Z., Bakir, A. and Wickens, E. (2010). An investigation into the impact of vacation travel on the tourist, *International Journal of Tourism Research*, 12(5): 574-590.
11. Allison, P. and Von Wald, K. (2010). Exploring values and personal and social development: Learning through expeditions, *Pastoral Care in Education*, 28(3): 219-233.
12. Beaumont, N. (2001). Ecotourism and the conservation ethic: Recruiting the uninitiated or preaching to the converted?, *Journal of Sustainable Tourism*, 9(4): 317-338.
13. Brougère, G. (2013). Learning the practice, learning from the practice: Tourist practices and lifelong education, *International Journal of Lifelong Education*, 32(1): 93-106.
14. Ceballos-Lascurain, H. (1988). The future of ecotourism, *The Mexico Journal*, (January 17): 13-14.
15. Conford, I. (2002). Learning-to-learn strategies as a basis for effective lifelong learning, *International Journal of Lifelong Education*, 21(4): 357-368.
16. Duenkel, N. and Scott, H. (1994). Ecotourism's hidden potential: Altering perceptions of reality, *Journal of Physical Education, Recreation, and Dance*, 65(8): 40-47.
17. Fennell, D. (2007). *Ecotourism (3<sup>rd</sup> ed.)*, New York: Routledge.

18. Gilbert, R. (2003). Ecotourism and education for sustainability: A critical approach, **International Review for Environmental Strategies**, 4(1): 75-83.
19. Hilgard, E.R. and Marquis, D.G. (1940). **Conditioning and Learning**, New York: Appleton-Century-Crofts.
20. Honey, M. (2008). **Ecotourism and Sustainable Development: Who Owns Paradise? (2<sup>nd</sup> ed.)**, New York: Island Press.
21. Kimble, G.A. (1961). **Hilgard and Marquis' Conditioning and Learning (2<sup>nd</sup> ed.)**, New York: Appleton-Century-Crofts.
22. Kimmel, J.R. (1999). Ecotourism as environmental learning, **The Journal of Environmental Education**, 30(2): 40-44.
23. Kolb, D. and Fry, H. (1975). Toward an applied theory for experiential learning, In C. L. Cooper (Ed.), **Theory of Group Processes**, New York: John Wiley: 125-147.
24. Kolb, D. (1984). **Experimental Learning: Experience as the Source of Learning and Development**, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
25. Minnaert, L. (2012). Social tourism as opportunity for unplanned learning and behavior change, **Journal of Travel Research**, 51(5): 607-616.
26. Pearce, P.L. and Foster, F. (2007). A 'university of travel': Backpacker learning, **Tourism Management**, 28(5): 1285-1298.
27. Powell, R.B. and Ham, S.H. (2008). Can ecotourism interpretation really lead to pro-conservation knowledge, attitudes, and behavior? Evidence from the Galapagos Islands, **Journal of Sustainable Tourism**, 16(4): 467-489.
28. Richards, T. (1992). Adventure-based experiential learning: Explorations of good practice, In J. Mulligan and C. Griffin (Eds.), **Empowerment through Experiential Learning**, London: Kogan Page Publishers: 155-162.
29. Scarinci, J. and Pearce, P.L. (2012). The perceived influence of travel experiences on learning generic skills, **Tourism Management**, 33(2): 380-386.
30. Smith, W.L. (2006). Experiential tourism around the world and at home: Definitions and standards, **International Journal of Services and Standards**, 2(1): 1-14.
31. Tisdell, C. and Wilson, C. (2005). Perceived impacts of ecotourism on environmental learning and conservation: Turtle watching as a case study, **Environment, Development, and Sustainability**, 7(3): 291-302.
32. Van Winkle, C. M. and Lagay, K. (2012). Learning during tourism: The experience of learning from the tourist's perspective, **Studies in Continuing Education**, 24(3): 335-339.
33. Walter, P. (2009). Local knowledge and adult learning in environmental adult education: Community-based ecotourism in Southern Thailand, **International Journal of Lifelong Education**, 28(4): 513-532.
34. Walter, P.G. and Reimer, J.K. (2012). The 'ecotourism curriculum' and visitor learning in community-based ecotourism: Case studies from Thailand and Cambodia, **Asia Pacific Journal of Tourism Research**, 17(5): 551-561.